هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله
دولت باید برنامه داشته باشد
ص۲

نگاهی به سفر رئیس جمهور به پاکستان
ص۶

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ دهم ۲۱ جوزای ۱۳۹۰ ۹ رجب المرجب ۱۴۳۲ – 11 Jun 2011

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح در مجلس نمایندگان:

صلح نیاز تمام مردم افغانستان است



- **برگشت طالب ها از طریق پروسهٔ صلح به معنای از دست رفتن قانون اساسی و دستآورده های ده ساله نیست.**

***

- **پیام هایی که از طالبان داشتیم، می گفتند دیگر داستان امارت ختم است، تجربهٔ گذشته تکرار نمی شود.**

***

- **صحبت هایی در میان برخی از حلقات وجود دارد که گویا معامله صورت می گیرد! اکنون کار شورای عالی صلح این است که زمینه برای تأمین امنیت صورت بگیرد، اما زمانی که قرار شد کدام فیصله صورت بگیرد، درآن صورت آن فیصله مربوط به نمایندگان مردم می شود تا جایگاه حقوقی خود را داشته باشد.**

ص۳

مجلس نمایندگان:

کارهای خانگی مان را انجام نداده ایم، به رخصتی نمی رویم



نمایندگان می گویند:

تا زمانی که دولت وزرای سرپرست را غرض اخذ رأی به مجلس نفرستد، به رخصتی های تابستانی خود نخواهند رفت.

***

مقامات ریاست جمهوری گفته اند:

لست وزراء تا هنوز تکمیل نشده و نمایندگان می توانند به رخصتی های تابستانی خود بروند.

ص۷

سفر خدا حافظی



رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا که قرار است به زودی از این مقام کنار برود، روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته در سفر غیرمترقبه به کابل آمد. این دوازدهمین سفر رابرت گیتس به افغانستان از زمانی بود که وی در چهارونیم سال قبل به وزارت دفاع امریکا منصوب شد.

آخرین سفر وی در مقام وزیر دفاع امریکا به افغانستان در شرایطی صورت گرفت که بحران در روابط میان امریکا و رئیس جمهور افغانستان بر سر کشتار غیرنظامیان به اوج خود رسیده و حامدکرزی تهدید کرده است که اگر بار دیگر نیروهای خارجی دست به کشتار مردم غیرنظامی افغان بزنند، از نظر مردم افغانستان به عنوان نیروهای اشغالگر شناخته خواهند شد و جهانیان می دانند که افغان ها با اشغالگران چه معامله ای خواهند کرد.

در طول چهارونیم سال گذشته که گیتس متصدی مقام وزارت دفاع امریکا بود، تعداد زیادی از مردم غیرنظامی افغانستان در حملات ناتو و نیروهای مخصوص امریکا در افغانستان کشته شدند و بنابراین وی به عنوان شخصی که در راس این نیروها قرار داشت، مسوول این کشتار ها بوده است، اما عجیب است که کرزی مدال وزیراکبر خان را به سینهٔ وی آویخت تا از کارکردهای وی در طول دوران وزارتش تقدیر نماید. قبل از وی نیز بعضی از فرماندهان دیگر نظامی خارجی از جمله جنرال دیوید ریچاردز و جنرال استانلی مک کریستال نیز این مدال را به دست آورده بودند.

رابرت مایکل گیتس که اکنون در آستانهٔ سبکدوش شدن از مقام وزارت دفاع امریکاست، در طول دوران خدمتش با هشت رئیس جمهور امریکا کار کرده است. او در سال ۱۹۶۶ به عنوان یک مامور عادی در سازمان استخبارات امریکا (سیا) به کار آغاز کرد و دو سال هم به حیث رئیس این سازمان ایفای وظیفه نمود. می توان گفت که گیتس یگانه افسر این سازمان بود که از یک شغل پائین به ریاست این سازمان رسید. گیتس در تاریخ اتحاد شوروی دکتورا دارد و مدت چهارسال نیز در یک شغل اکادمیک یعنی رئیس دانشگاه تگزاس ایفای وظیفه نموده است.

گیتس در کابل در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با حامدکرزی شرکت نمود. کرزی ص۶

مادر را گرامی باید داشت

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

دولت باید برنامه داشته باشد

شهروندان کشور را آفات گوناگونی تهدید می کند. نبود امنیت، بیکاری، فقر، زلزله، زمانی خشک سالی، و گاهی هم بارندگی که منجر به سرازیر شدن سیلاب و از بین بردن مزارع و خانه های رهایشی می شود.

در هفته های پیش سرازیر شدن سیلاب، برخی ولایات شمال و شمال شرق را تهدید نمود که تعداد زیادی از باشندگان آن مناطق صدمه دیدند و حتا چند تن جان باختند.

با گرم شدن وضع جوی، آفت دیگری که کشتزارها و مزارع مردم شمال و شمال شرق را تهدید و بهار سرسبز را به فصل خزان بدل نموده است، هجوم ملخ است که حین پرواز چون ابر سایه می افگند و زمانی که به کشتزار می نشیند، آنچه گیاه است، می خورد.

این بلای دیگریست که دامنگیر برخی کشاورزان در کشور شده است. اما وسیله ای که بتواند جلو این حمله را بگیرد، وجود ندارد.

در گزارش ها از برخی مناطق ولایت تخار گفته شده که، چون مردم تماشاگر هجوم ملخ و به خاک تبدیل کردن مزارع و کشتزارهای شان می باشند، تا ملخ به مزرعهٔ نزدیک شان برسد، گله های مواشی شان را به آن کشتزارها رها می کنند که اقلاً اینها بخورند تا ملخ.

این مصیبتی است که مردم با آن دست و گریبان اند و کسی به دادشان نمی رسد. ادارات محلی توان مبارزه با این دشمن سرسبزی را ندارند. واضح است که بر فقر، بیکاری و گرسنگی و محتاجی مردم می افزاید.

این در حالیست که سازمان خوراک جهانی در افغانستان اعلام کرده است که، امسال در بودجهٔ شان کاهش بعمل آمده و دوصدوپنجاه میلیون کمبود بودجه دارند در صورتی که از جانب کشورهای دونر پرداخت نگردد، مجبورند برنامه های شان را اولویت بندی نموده و به برخی برنامه های شان رسیدگی نتوانند. به گفتهٔ این سازمان، در افغانستان به تعداد ۷,۳ میلیون نفر تحت برنامهٔ کمک های غذایی آنان قرار دارند.

وظیفهٔ دولت است با مسوولیتی که مطابق قانون، در قبال مردم کشورش دارد، پیش بین حوادث باشد که حین وقوع حادثه، مردم را یاری رساند. دولت باید دیپوهای مواد ارتزاقی، مواد محروقاتی، روغنیات، البسه، ادویه های حشره کُش در اختیار داشته باشد تا در موقع ضرورت دست به کار شود و مردم را از بلایی که به سراغ شان می آید، نجات دهد.

در کشوری چون افغانستان که هر لحظه زدو بند های سیاسی و نظامی و امنیتی می تواند تغییراتی را در زندگی شهروندان آن رونما نماید، باید در راستای تدوین پلان، برنامه و استراتیژی گام های سنجیده شده ای روی دست گرفته شود.

تاریخچهٔ جمعیت اسلامی افغانستان ۴

خاطراتی از محمد نسیم فقیری

نخستین مظاهرهٔ جمعیت اسلامی در شهر مهترلام بابا

در سوم عقرب سال ۱۳۶۰ نخستین مظاهرهٔ جمعیت اسلامی افغانستان در شهر مهترلام به راه افتاد. آشنایی جوانان لغمان و به خصوص متعلمین لیسهٔ روشان با نهضت اسلامی، بیش از یک سال سابقه نداشت و در طی این مدت بود که بنابر دلایل روابط خانوادگی و یا محلی با اعضای نهضت جوانان مسلمان دانشگاه کابل، ارتباط ابتدایی برقرار شده بود درین زمان کوتاه، دو شخصیت و دعوتگر بزرگ تلاش های پیگیر و خستگی نا پذیر داشتند: مولوی حبیب الرحمن از قریه بصرام ولایت لغمان که در آن زمان استاد لسیهٔ حبیبیه و بعد استاد فاکولتهٔ شرعیات دانشگاه کابل شد. (۱) و داکتر عبدالشکور از شهر مهترلام و محصل دانشکدهٔ طب ننگرهار. (۲)

یک حادثهٔ مهم که باعث ظهور و تبارز نهضت و شناخت ارتباط و همبستگی شاگردان مسلمان لیسهٔ روشانه بین خود شان و هم با علمای دینی و قشرهای مردم گردید، سخنان کفر آمیز معلم سپورت لیسهٔ روشان و واکنش شدید متعلمین و بالاخره علماء و مردم در برابر آن بود. ما تازه با ماهیت انحرافی و الحادی گروه های کمونیست از یک سو و افکار و نظریات دعوتگر جهان اسلام- در رد کمونیسم و کاپیتالیسم- و آثار و تراجم آنان که در ایران به چاپ می رسید، آشناشده بودیم.

در نخستین روز های نیمهٔ دوم ماه سنبلهٔ ۱۳۵۰ که مکاتب باز و درس ها آغاز شده بود و یک جوان متعلم صنف نهم مکتب بود. دو تن از معلمین جدید التقرر که هر دو «ستمی» یعنی مربوط به « سازا» بودند، یکی به حیث معلم ساینس و دیگری به حیث معلم سپورت معرفی گردیدند. (۴)

معلم سپورت، حین ورود به صنف ما و بعد از معرفی کوتاه، شروع به پخش افکار مارکسیستی نمود و از هر دری سخن گفت. او ضمن طرح مسایل سیاسی فلسفی، اجتماعی و فرهنگی از افکار انقلابی و پیشرو زمان و از ماتریالسیم تاریخی و ماتر یالیسم دیالکتیک به حدیث اندیشه های علمی و پیشتاز یاد نمود و بریادگیری آن تأکید کرد. او زندگی بعد از مرگ و حساب و کتاب در آن دنیا را ، اندیشهٔ واهی و ساخته و پرداختهٔ طبقات استثمارگر و عقاید مذهبی را خرافی و ارتجاعی خواند...

توجوانی اجازه خواسته و به رد گفته های او پرداخت و گفت: ما از این که یک معلم مسلکی به حیث معلم سپورت آمده خیلی خوشحال بودیم ولی متأسفانه که شما به جای سپورت به طرح مسایل سیاسی و فلسفی پرداختید و بر عقیده و ایمان ما حمله ور شدید ولی مطمئن باشید که این یک کشور اسلامی و ما فرزندان مسلمان این آب و خاک هستیم و هرگز به افکار و اندیشه های الحادی و وارداتی اجازهٔ پخش و تبلیغ نخواهیم داد و شما هم لطفاً حرف های خود را پس بگیرید و فقط در مورد سپورت و ورزش صحبت نمایید.

اکثر شاگردان با نوجوان هم صدا شده و برسخنان او اعتراض نمودند و او باعصبانیت از صنف خارج شد.

در زنگ تفریح، این موضوع به گوش همه متعلمین و معلمین رسانیده شد. متعلمین صنوف مختلف به نزد نوجوان آمده و اعلام حمایت نموده و آمادگی شانرا برای تجمع و یا تظاهرات ابراز داشتند. فردای آنروز، این واقعه در شهر و بازار بازتاب وسیع یافت و احساسات عمومی علیه آن برانگیخته شد.

درین زمان لیسهٔ روشان مدیر نداشت و معاون آن به رفیع الله لیسانسهٔ دانشکدهٔ ادبیات و پسر یکی از ملاهای نسبتاً مشهور مرکز لغمان و از قریهٔ «پشه یی» بود. او تمایلات «خلقی» داشت و پس فردای آنروز به صنف آمد و با ارعاب و تهدید به متعلمین گفت که شما بچه های کوچک و نادان هستید و نتوانسته اید که حرف های معلم صاحب را به درستی درک کنید و در مکتب و شهر هنگامه برپا کرده اید و باید این موضوع را تکذیب کرده و از معلم صاحب عذر خواهی نمایید و به همان روز مجلس معلمین لیسه را دایر، و نو جوان را احضار نموده و گفت: میدانی که چرا مجلس را دایر نموده ام گفت نه.

گفت، به خاطر اخراج تو از مکتب، زیرا با حرکت خلاف مقررات و ایستاد شدن در برابر معلم، مرتکب جرم شده و باید از مکتب اخراج شوی. به دنبال او معلم غلام حسین خلقی در تأیید سخنان معاون گفت که جرم دیگر، بی ادبی و توهین به یک معلم مهمان است که از جای دور برای خدمت آمده و چرا در مقابل یک « معلم محیطی » مانند من کسی برنمی خیزد؟ بلا فاصله در پاسخ گفت که هرگاه یک معلم محیطی مانند شما نیز همچو حرف هایی را بزند در مقابل او نیز بپا خواهیم ایستاد.

نوجوان توقع داشت که معلمین دارای روحیهٔ اسلامی چون دو مولوی و یکی دو معلم دیگر از او حمایت کنند ولی به دلیل برخورد خشونت آمیز و دیکتاتور مابانهٔ معاون، جرئت نکردند.

نوجوان خطاب به معاون گفت که بنده نه مرتکب کدام جرم شده و نه خلاف مقررات اقدام کرده ام تا به مضمون خود توجه داشته باشد و به عقاید مردم توهین ننماید. بنا برین اوست که مرتکب جرم و توهین به اعتقادات مردم شده است. معاون گفت: تو یک بچهٔ خورد هستی و به این گپ ها نمی فهمی!

نوجوان در جواب گفت: اگر من خورد هستم فکر کلان دارم! او به صورت شخصی حمله ورشده و با نام بردن از دو نفر از خویشاوندان نوجوان که رئیس و مدیر بودند، گفت برو برو فلان و بهمان هم دارای فکر کلان بودند!

همان بود که برخلاف توقع و انتظار بنده، معلم دری (آقا محمد خان) از قریهٔ محمد پور که باشه باز و متمایل به پرچم بود، گفت: به فکر من طرح مسئاله اخراج از مکتب درست نیست و راستی معلم صاحب ملامت است و نباید چنین حرف هایی را در صنف می زد.

معلم صاحب عبدالرزاق خان که معلم انگلیسی و موسفید ترین معلم لیسه و مورد احترام همه بود. خطاب به معلم سپورت گفت: او معلم سپورت! تو توپ را گرفته و به میدان سپورت برو ترا به این گپ ها چی؟! و همه خندیدند.

۱- مولوی حبیب الرحمن ولد مولوی عبد الحی متولد سال ۱۳۲۵ هجری شمسی از قریه بصرام ولسوالی الینگار ولایت لغمان. در سال ۱۳۳۶ شامل مدرسه نجم المدارس ننگرهار گردیده و همواره شاگرد ممتاز صنف خود می بود.

در سال ۱۳۴۴ از مدرسه فارغ و مدتی در مدرسه امام ابو حنیفه (رح) در کابل به حیث معلم ایفایی وظیفه نمود در سال ۱۳۴۶ شامل فاکولته شرعیات شد و با آثار دعوتگران معاصر اسلامی آشنا گردید. او در تظاهرات عظیم مردم به رهبری علمای دینی در ۴ جوزای ۱۳۴۹ فعالانه شرکت جست و به زندان افتاد. مولوی حبیب الرحمن در برخوردی که میان جوانان مسلمان و خلقی نماها در پولی تخنیک رخ داده بود، به شدت مجروح گردید و بینایی یک چشم خود را از دست داد. در سال ۱۳۵۰ از شرعیات فارغ و یک مدت کوتاه در لیسهٔ حبیبیه معلم بود در سال ۱۳۵۰ شامل کدر علمی آن فاکولته شد. نخست مهتمم، بعد مدیر مسؤول مجلهٔ شرعیات هم گردید.

در جوزای ۱۳۵۲ بدنبال دستگیری وسیع رهبران و فعالان نهضت ، به کمک همسایگان از چنگ پولیس نجات یافت و مهاجر گردید.

در ۵ اسد ۱۳۵۴ رهبری عملیات مسلحانه در شهر مهترلام را به عهده گرفت و در ۷ اسد همراه با عبدالعظیم ولد تورگل از قریه باغ مرزا در منطقهٔ چهاردهی لغمان توسط خائنین محلی گرفتار و به پولیس تحویل داده شد برای انتقال او از لغمان به کابل قوای خاص نظامی از کابل به مهترلام اعزام گردید او در زندان دهمزنگ در کوتهٔ قلفی (سلول انفرادی) محبوس گردید و بالاخره توسط محکمهٔ دیوان حرب عسکری در اول سرطان ۱۳۵۶ همراه با داکتر محمد عمر شهید و خواجه محفوظ شهید به اعدام محکوم و به شهادت رسیدند.

۲- داکتر عبدالشکور ولد حاجی محمد یوسف از قریهٔ « کوتای تور» مرکز ولایت لغمان و محصل طب ننگرهار و از پیشگامان نهضت اسلامی در جوزای ۱۳۵۳ در شهر کابل با چند میل تفنگچه دستگیر و به چهارده سال حبس محکوم گردید یکسال را در کوته قلفی بسر برد و نگارنده او را در بهار ۱۳۵۵ در زندان دهمزنگ ملاقات کرده است. او از جمله نخستین کسانی بود که انجام عملیات مسلحانهٔ سال ۵۴ را نقد و محکوم نمود. داکتر عبدالشکور پس از کودتای ثور و در جوزای ۱۳۵۸ در حالی که دوران حبس را سپری می نمود. با صدها تن از فرزندان بیگناه این سرزمین توسط جلادان کمونیست در پولیگون پلچرخی به شهادت رسانیده شد.

۳- نگارنده

۴-سید کریم

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح در مجلس نمایندگان:

صلح نیاز تمام مردم افغانستان است

۱۵ جوزای سال ۱۳۹۰

وکلای محترم، نمایندگان ملت!

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

نخست از شما سپاسگذارم که فرصت مساعد شد، تا مسایل مورد علاقۀ کافۀ ملت بزرگ و سرافراز افغانستان را با شما در میان بگذارم.

در آغاز با درود فراون به روان شهدای عزیز افغانستان به ویژه به قهرمانان اخیر که جان به جان آفرین تسلیم نمودند، شما نمایندگان مردم در رابطه به مسایل جنگ، صلح و بد امنی در کشور احساس ناراحتی می کنید و همه از خود سوال می کنند که تا یکی در بستر بحران زیست کنیم و شاهد از دست دادن عزیزان خود باشیم؟

سوال های زیادی در ذهن همه وجود دارد، یک تعداد از تحلیلگران کشورمان نیز از جایگاه حقوقی و مشروعیت روند صلح، دست آوردها و نتایج آن از ما سوال می کنند. در این مورد می خواهم اشاره هایی داشته باشیم که جایگاه حقوقی و مشروعیت شورای عالی صلح از کجا به میان آمده است.

مشروعیت تلاش های صلح

اگر به تاریخچۀ موضوع بر گردیم، در نشست بُن ضمن تأسیس ادارۀ جدید در کشور تأکید روی موضوع مصالحۀ ملی، یکی از مسایل انکار ناپذیر در ادارۀ بود.

بعدها، شورای ملی دوره ای که گذشت در یکی از فیصله های تاریخی خود موضوع مصالحۀ ملی را مطرح کرد و پیش نویس آن با تصویب مجلس و توشیح رئیس جمهور به قانون تبدیل شد، این قانون شامل عفو عمومی و مذاکره با مخالفان مسلح را در بر می گرفت.

جرگۀ مشورتی صلح که در آن نمایندگان ملت با حضور ۱۶۰۰ نفر از اقشار مختلف جامعه در جرگۀ مشورتی فیصله نمودند که بر مبنای آن شورای عالی صلح تشکیل شود.

قبل از آن جرگۀ امن منطقوی از طرف افغانستان به ریاست دکتور عبدالله عبدالله و از طرف پاکستان به ریاست آقای شیرپاو وزیر داخلۀ وقت آن کشور، تشکیل شد که از هر دو طرف ۵۰ نفر آمدند، به خاطر تأمین امنیت و ایجاد صلح کار را شروع نمودند.

از همه مهمتر در ارزش های دینی، تمام فیصله های ما مبنای دینی و اعتقادی دارد، خداوند در قرآنکریم می فرماید وقتی که دوگروه از مسلمانان در بین خود می جنگند، باید در میان آنان صلح نمائید.

در تاریخ اسلام گروه خوارج علیه حضرت علی کرم الله وجه می شورند، اما آن حضرت عبدالله ابن عباس را مؤظف می سازد، تا در میان مسلمانان میانجگیری به خاطر تأمین صلح نماید. که دیده شد در یک روز ۱۲۰۰۰ نفر سلاح را به زمین می گذارند و دست از جنگ بر می دارند.

اسناد مختلف دیگری نیز وجود دارد که مصالحه منحیث یک اصل عمده ثبت شده است که نمی خواهم با یادآوری همه، وقت بیشتر نمایندگان ملت را بگیرم.

دستآورد های صلح چیست؟

پیش از تشکیل شورای عالی صلح، شورای تحکیم صلح به کار آغاز کرده بود، تا هنوز هم به کار خود ادامه می دهد. اما شورای عالی صلح در ۱۵ سرطان سال پار تشکیل شد و تا سه ماه دفتر و آدرس برای کار نداشت.

کار عملی این شورای ۵ ماه را در بر می گیرد. دراین مدت برنامه های راهبردی این نهاد بر اساس فیصلۀ جرگۀ مشورتی که در ۱۶ ماده اعلام شده بود، قوام یافت.

نخستین این گام ها، فراهم نمودن فضای اعتماد ملی و اعتماد طرف مقابل بودکه در این بخش کار هایی که صورت گرفت. طی سفرها به ولایات، دیدار ها با گروه های مختلف به حقایقی دست یافتیم که به عنوان انگیزۀ جنگ در نزد مخالفان مسلح مطرح بود.

در حاشیۀ مسایل مختلف، کشمکش های قومی، اختلافات داخلی به خاطر غالب شدن به گروه رقیب با طالبان می پیوستند، در پشت این جنگ تاجران مواد مخدر، به خاطر پوشش کاری خود با طالبان در تماس می شدند و با استفاده از آنان دست به قاچاق می زدند.

از مردم خواستیم که به خاطر تأمین صلح در کشور به طالبان مسلح پناه ندهند و از آنان حمایت نکنند.

در قندهار با شورای علما صحبت کردیم حرف آنان این بود که از پروسۀ صلح حمایت می کنیم، اما امنیت ما را کی تأمین می کند؟ رئیس شورای علمای قندهار می گوید ما به خاطر حمایت از روند صلح ٤٦ عالم دینی خود را از دست دادیم. خواست شان از دولت این بود که از ما حمایت کنند وقتی ما در حمایت از صلح حرف می زنیم با مشکلات زیادی رو برو هستیم.

جلب حمایت های منطقه ای

جلب همکاری های منطقه ای، به ویژه کشورهایی که از طالبان حمایت می کردند تماس گرفته شد، تا حمایت آنان را به دست آوریم.

شورای عالی صلح به کشورهای مختلف از جمله پاکستان سفر داشت، در این جریان با تمام کسانی که احساس می کردیم در گذشته و یا حال روابطی با طالبان دارند، با آنان مسایل را مطرح کردیم. وعده هایی صورت گرفت، بین افغانستان و پاکستان کمیسیون مشترکی تشکیل شد، نظر به تقاضای پاکستان ریاست این کمیسیون از سطح وزارت خارجه به سطح صدر اعظم و رئیس دولت ارتقاع یافت. هیأت های پارلمانی دو طرف بالای این موضوع نیز تأکید داشتند.

حمایت بین المللی از تلاش های صلح

پیش از تلاش های دولت افغانستان کشور بریتانیا با طالبان تماس هایی داشت. در هلمند موسی قلعه را به اساس یک فیصله به طالبان سپرده بودند. بعضی از مسوولان از کشور بریتانیا، ده ها گروپ مسلح طالبان را معاش می داد که در نتیجۀ اعتراض دولت افغانستان دو دپلیمات انگلیسی به خاطر همین قضیه از کشور اخراج شدند.

کشور ناروی هیأت هایی از طالبان را با مصارف گزافی بردند و مذاکراتی صورت گرفته بود.

اخیراً در جریان هستید که به وساطت جرمنی، ایالات متحدۀ امریکا مذاکراتی هم باطالبان داشتند. وقتی ما کار را آغاز کردیم، تمام این موضوعات را با کشورهای مختلف در میان گذاشتیم. و بدون مشوره با دولت، بیانگر این است که همه کاره شما هستید ، مذاکرات صلح ابتکارش به دست شما باشد و یا این که به پروسۀ صلح علاقمندی ندارید.

ابتکار عمل در دست شورای عالی صلح

فیصلۀ کشورهای تماس که آمار شان به ۵۷ عضو می رسید، درجده فیصله نمودند که تمام پروسۀ صلح توسط خود افغان ها و شورای عالی صلح پیش برده شود.

کشورهای دیگر هم که در این زمینه تلاش می کنند فیصله شد در تبانی طرف دولت افغانستان انجام شود.

صلح به ضرر هیچ یک از کشورها نیست

برخی از کشور ها از جمله فدراتیف روسیه و کشور هندوستان از روند مصالحه با طالبان تشویش داشتند، اما در اثر صحبت ها و طرح موضوع و با بیان این که، خطر ی برای امنیت منطقه گروه های مسلح هستند، نه زندگی مسالمت آمیز، قناعت این کشورها فراهم گردید.

پرسش هایی به سطح ملی و هم بین المللی وجود داشت، آیا با آوردن طالب ها دوباره امارت طالبان قایم می شود و دستآوردهای ده ساله از بین می رود؟ ما این موضوع را بار بار گفتیم که برگشت طالب ها از طریق پروسۀ صلح به معنای از دست رفتن قانونی اساسی و دست آورده های ده ساله نیست.

طالبان نیز در طرز تفکر و رفتار شان تغییراتی به وجود آمده است به طور مثال: دیروز آقای متوکل وزیر خارجۀ طالبان جزء تیمی بود که ص۵



(سید احمد اشرفی)

تعالیم بودا در میتافیزیک:

آنچه از میراث فرهنگی آیین بودایی به دست می آید و در میان محققین شهرت تام دارد، اینست که بودا شخصاً وجود خدا را انکار می کرد و مباحثه در مورد خدایان را بی فایده و ضیاع وقت می دانست. و هرگاه که میریدانش درین موضوع از وی سوال می کردند، وی پاسخ می داد که خدایان درد شما را درمان نمی کنند. شما خود در رهائی خویش باشید. همچنان از وی نقل شده که می گفت: خدا چیست؟ آیا مجموعۀ همین عناصری است که کائنات از آن ساخته شده؟ اگر چنین است، پس این حرف تازه ای نیست جز این که نام جدیدی بر یک شئ اضافه گردد. از عدم وجود خدا در تعالیم بودا این اشکال مطرح می شود که چگونه می توان آیین بودایی را دین نامید، در حالی که یکی از مشخصات و ویژگی های دین وجود خداست. برخی از دانشمندان در حل اشکال فوق گفته اند که بودیزم در اصل دین نبوده بلکه تنها یک مکتب اخلاقی بوده، اما پس از آنکه بودانزد پیروانش مقام خدایی و ماورایی پیدا کرده مبدل به دین شده و نام دین بر آن اطلاق گردیده است.

اما به نظر می رسد که بودا به عنوان یک فرد هندو، بعید است که باور به خدا نداشته باشد و امتناع وی از ذکر خدا نمی تواند دلیل بی باوری وی به خدا باشد. بلکه آنچه به حقیقت نزدیک می نماید اینست که بودا از ورود در امور متافزیک اجتناب ورزیده و هچگونه اظهار نظر مثبت و یا منفی در مورد خدایا خدایان از خود بروز نداده، بلکه به عنوان یک معلم اخلاق کلیه توان و هم و غم خویش را در تخفیف دردهای انسانیت و ریشه کن کردن رنج های آدمی منحصر کرده است.

بودا به این نظر بود که رهایی انسان و سرنوشتش به دست خودش است نه به دست خدایان، چنانچه از وی نقل شده است که می گفت: هرکدام جزیره ای مستقلی برای خویش باشید و به هیچ پناهگاه بیرونی پناه نبرید و جز بر خویشتن بر کس دیگری تکیه نکنید. اما آن چه از وی در این مورد روایت شده از شیوۀ گفتار و لحن بیان آن معلوم می شود که وی این اظهارات را در زمان حیرت وشک که تاهنوز به استقرار فکری و آرامش روحی نرسیده بوده ارائه کرده است. و طبعاً اظهارات دورۀ حیرت و شک و اظطراب نمی تواند قابل اعتبار باشد.

اما در بارۀ روح، مسلم است که بودا به روح به مثابه یک امر متافزیکی و پاینده باور نداشته، بلکه وی همه چیز را نا پایدار و مبرا می پنداشته است. اما در عین حال بودا تناسخ و کارما و سمسارا را به همان ترتیبی که در هندویزم وجود دارد، می پذیرد و این یک تناقض آشکاری است که تاهنوز در فرهنگ بودایی لاینحل باقی مانده است. زیرا ایمان به تناسخ مستلزم ایمان و جود و پایندگی روح است. اگر روح پاینده وجان نامیرا وجود نداشته باشد، چگونه تناسخ صورت می پذیرد، و آن چه که از یک جسم به اجسام دیگر منتقل و به طور مکرر تولد می یابد چیست؟

تعالیم بودا در اخلاق:

در حقیقت آن چه را که بودا به مردم آموخت آیین و شریعت مستقلی نبود، بلکه تعالیم بودا، نوعی طریقت و مشرب خاصی بود، در سیر درونی و مراقبت باطنی، و مجموعه ای از اندرزهای اخلاقی که وی برای رسیدن به نجات در درون کیش هندویی پیشنهاد کرده بود. ازین جهت آموزه های او با مبانی هندویزم تعارضی نداشت. اما چیز تازه ای که بودا پیشکش کرد واز جانب روحانیون هندو، بدعت و ارتداد تلقی شد، الغای نظام طبقات. اعلان اخوت جهانی میان انسان ها، و ایجاد تغییراتی در نحوۀ ریاضت سنگین و مراسم قربانی سخت در آیین هندویی بود. اما به تدریج اقوال و تعالیم او اسوۀ طالبان کمال تلقی شد و طریقت و مشرب او به شریعت و دیانت مستقل تبدیل گشت.

جوهر اصلی و غایت نهایی تعالیم اخلاقی بودا، رهایی از رنج، از طریق ترک ورغبت و دوری از شهوات و ملذات دنیوی و نیل به پاکی و پرهیزگاری است. به گفتۀ بودا، دو بیراهه است که به رنج می انجامد، یکی کامرانی و دیگری خود آزاری (چنانچه در روش ریاضت هندویی وجود دارد) بودا که خود سال ها این دو بیراهه را راه می پنداشته بعد از بودا شدن در یافت که راه نه آن است و نه این. وی راه میانه را دریافت راهی که از اداراک چهار حقیقت عالی و شریف آغاز می شود، و با برداشتن هشت گام و عبور از سه مانع به تطبیق قانون اخلاق بودایی که برده اصل استوار است، منتهی می گردد.

دسته گلی از چمن «آزادی روح»

نفس چون با غرض جوشید گفتن بارمی آرد

عبدالقیوم ملکزاد

بخش دوم

بر گیرنده یکی از روش های برگیرندهٔ شاعران خداجوی دعوت به خیرو نیکی است؛ با کاربرد آن گویی چراغی بر کف می گیرند تاتوانسته باشند پرتوی درامتداد دهلیز تاریک زندگی همنوعان شان برافروزند و بدین ترتیب قدمی در راه انجام رسالت بزرگ بردارند . مثلاً وقتی که بیدل می گوید:

باتشنه لبی ساز مجو آبی ازاین بحر

یعنی بحر طمع، بحری که سر کشیدن جرعه ای از آن، به ذلت و خواری می انجامد؛ در جنب توصیهٔ خود دلیلی مقنع هم دارد و آن این که فرو بردن جرعه ای از این آب زهراندود، حلقوم آدمی را چنان فشار می دهد که پنداری در گردابی افتاده است ونجات از آن به سادگی میسر نیست. مصرع دوم این شعر،گویای همین نکته بارزمی باشد که ما بدان اشارت داشتیم:

تاحلق ترا تنگ چو گرداب نگیرد

ویا مثلاً می گوید:

امل را چند سازی کاروان سالار خواهش ها
نفس خود محملت بیش ازدوساعت بر نمی دارد

ویا:

مکشا جریدهٔ حاجتت بر دوستان ز کف غرض
بنویس نامه آبرو به سیاهی کلف غرض
بگذر زمطلب هرزه دو به زیارت دل صاف رو
زطواف کعبه چه حاصلت که توچنبری به دف غرض

همینطور ده ها بیت و سروده دیگر مشابه به آنها، توصیه هایی اند برای خیر، برای فضیلت و رشد معنوی انسان.

آری ! شاعررسالتمند ومومن وانساندوست، دعوتگرراه حق وعدالت است؛ ازهمین روست که اقبال برای آن ارج والایی قایل می باشد؛ زیرا او، ازجمع کسانی است که سعی می ورزند تا با نواختن زنگ خطر عوامل مفسد واخلالگربه گوش مردم آنها را متوجه تهدیدات محیطی واجتماعی ساخته و اهتمام به امور آنها را از جمله برجسته ترین مسؤولیت های خود می داند.

زیرا چنین سخنور از جمله همان شعرایی است که به مصداق فرموده دکتر اقبال لاهوری : فطرتش سراپا جستجوست واز دم او غنچه های آرزو گل می کند:

شاعر اندر سینهٔ ملت چو دل
ملتی بی شاعری انبار گل

دعوت به خیرازبرجسته ترین صفات امت اسلامی است ودوری ازآنچه منشاء انحطاط به شمارمی رود.

به این دستور قرآنی توجه کنیم :

شما باید امتی باشید که دعوت به خیرکنند و امربه معروف ونهی ازمنکر می کنند ورستگاران همان جماعت اند.(آل عمران – آیه ۱۰۱)

به تاسی ازفرموده قرآن عظیم الشان است که بیدل – چنانچه درسطور وبحث های گذشته تذکردادیم – همواره انسان را به سوی سعادت وسربلندی وعلو همت، دعوت می کند وفرامی خواند که مبادا به ذلت تن در دهند وقصرروح بلند خویش را با دستان خویش ویران سازند. مثلا، پیش کردن دست نیاز وطلب کمک وخیرات برای مشکلات، اقدامی است که با آوای حزین ناله گون توام می باشد، درعین اینکه فرا ویا بلندشدن دست ارباب کرم وفرو شدن دست نیازمند ومحتاج ازبدترین مناظروصحنه های دلخراشی است که به وقوع می پیوندد وحتی نظاره گران صحنه را نیزمنزجر ومتاثرمی گرداند. چنانچه بیدل راجع به این مساله اشاره ای دارد که به آن می پردازیم :

حسرت دل کرد برما پنجه قاتل بلند
می شود دست کرم با ناله سایل بلند

این شاعربلند آوازه بدین باورست که انسان اگراحتیاج ونیازمندی خودرا به کسی عرض کرد ، نه تنها اسباب اذیت خود وتعذیب روح خود را فراهم می آورد، بلکه مراتب آزار دیگران را نیز فراهم می سازد، باید از آن اجتناب ورزید:

به عرض احتیاج آزار طبع کس مده بیدل !

نفس چون با غرض جوشید گفتن بارمی گردد

بیدل می خواهد تا دریوزه گران ازآنچه خدا برایشان داده، قانع باشند. قناعت ازنظر او بهترین چشمه ای است زلال و یاقوت گون که شاعرهرگز از خشکیدنش نگران نیست:

چشمه فیض قناعت غم خشکی نکشد
آب یا قوت به صد سال نمی گردد کم

آیا این ممکن است که اسیر دست طمع، بتواند گلی از باغ عزت برچیند؟

پاسخش را باز از پدر معنی ها می شنویم:

کس از باغ طمع بیدل ندارد حاصل عزت
چوشبنم زین چمن باسیر چشمیها قناعت کن!

به باور او اگر کسی تشنه هامون حرص بود، نیک بداند که به جای فیض، گرد دیگری جز فلاکت و بدبختی بر سرش فرو نمی بارد:

بیدل از تشنه کامی حرص تو دورنیست
گر بارد از سهپر فلاکت به جای فیض

آرامی روحی وحصول گنج پنهان، جز با قناعت فراهم نمی شود؛ پس پای مرکب حرص در میان گل ولای فروباید برد و راه خویش بر گرفت و رفت تا از بارغم و رنج رهایی یافت و راحت شد:

حرص واماند از تردد، راحت استقبال کرد
پای خر در گل فرو شد گنج پنهان یافتم

از نظر قران نیز نیل بر آزادی یا رهایی در محیط درونی، درامان ماندن از آثار اسارتبار و انحطاط آور آز و حرص است:

«وکسی که خود را از آز درونش پاس و در امان بدارد، چنین کسانی همان پیروزمندان رستگارانند.»(حشر/۹- تغابن/۱۶)

آنانی که زندگی پست دنیاداری را، نسبت به زندگی انسانی و طیبه مقدم شمرده و به زندان ذلتبار حرص می افتند، به مفهوم آنست که خودرا اسیر آن قرار داده اند ویکی از استعداد های خود را به دست انحطاط سپرده اند.

پس دانسته آمد که دوری از حرص، فراهم ساز زمینه های رستگاری و سربلندی است.

استاد جلال الدین فارسی می گوید:

هرکس به اسارت آز درآمده باشد، بیشتر به اسارت شیطان در آمده است که اسارتی فرهنگی است .

این دانشمند و در جای دیگر آزمندان و شکم پرستان را هم قبیلهٔ ابلیس می داند که همواره به گرد شکم در طواف اند. چنانچه می گوید:

شکم پرستان بر گرد شکم در طوافند « آنان همقبیلهٔ ابلیس اند» زیرا آداب و رسوم و تشریفات خوردن و آشامیدن را از شیطان فرا گرفته اند.

« کسی که به اسارت سائقه جنسی در آید، چشم چرانی هم می کند و متجاوز به نوامیس دیگران هم هست.»

باالهام از دساتیر بزرگان سعی باید ورزید تا از بند سایق جنسی وارهید و در طریق رشد معنوی کوشید. زیرا تنظیم چنین امور به مفهوم تأمین آزادی انسانها می باشد.

هر که به ترک خرد ورزی پرداخت وبه اسارت علایق پست (اهواء) در آمد، نمی توان از صف جانورانش جدا نگاشت و یا موجودی آزادش پنداشت!

در جای دیگری استاد فارسی، مستکبران و دنیاداران را از عوامل مخل و مفسد در محیط اجتماعی و بین المللی می داند که « اصرو اغلال» را بر تودهٔ های مستضعف و ستمدیده بار کرده اندو بار سنگین مسؤولیت این سیاست تبهکارانه را بر دوش دارند و بشر را دگرگون ساخته تغییر داده و ابطال کنند وضمن عقد قرار دادی با مستضعفان بار مسؤولیت اسارت و ذلت پذیری آنان را به عهده بگیرند» و همچنان به قول این دانشور:

پذیرفتن آثار سوء عوامل مخل و مفسد محیط، وقبول « اصرواغلال» یا الزامات سیاسی و تقنینی طاغوت و ستمگر مستکبر پس از مرگ به صورت بار های سنگینی بر روح فشار می آورد ومستکبران و دنیاداران وطاغوت ها نه تنها بارسنگینی ذلت و اسارت بر توده های ناتوان و فقیر و محروم را نیز بر روح خویش حمل خواهند کرد،بلکه فشارش مایه داغی و اشتعال وسوزش جهنم برزخی و قیامتشان است.

واپسین گفتار خود پیرامون پاسداری از قلمرو آزادی روح را، با سروده های شور انگیز و زیبای ابوالمعانی عبدالقادر بیدل ، پایان می بریم آنی که چونان آموزگاری دلسوز در مکتب کامگاری و سربلند زیستن حضورسبز دارد.

او نفیرعام می دهد که مصمم تر ازهرزمان دیگربا رسن شجاعت کمراراده را بربندیم ووارد میدان شویم تا در نبرد سختی که پیشروداریم ، فتح ازرکاب ما بوسه برزند.

اینجا ارتش نیرومند آز با سازوبرگ تمام دربرابرما صف آرایی دارد . اگرجسورانه ایستادگی ورزیم ، قله شامخ غلبه عروجگاه ما خواهد بود ومنشورپیروزی به نام رقم خواهد خورد.

پس به پیش همرکاب فرمانده نیرومند استغنا تا رسیدن به سرزمین زیبای

آزادی،
آزادی معنوی،
آزادی روح

بی نم خجلت نمی باشد سروکارطمع
جنس استغنا عرض دارد به بازار طمع
غیرنومیدی علاج اینقدر امراض چیست
عالمی پرمی زند درنبض بیمار طمع
آسمان خمیازه یاس توخرمن می کند
ای هوس بردار دست ازشکل انبارطمع
بی نیازی تابع اندیشه اغراض نیست
خدمت همت محال است ازپرستار طمع
بهرتعمیرخیالی کزنفس ویرانتر است
خاک دهر ازآبرو گل کرد معمار طمع
زجرعبرت نیست تنبیه سماجت پیشه گان
لب گزیدن نشکند دندان اظهار طمع
بی نیازی بیدل آخر احتیاج آمد به لب
محرم راز غنایم کرد آثار طمع.

***

به مناسبت تجلیل از روز مادر

آسمان را گفتم
می توانی آیا
بهر یک لحظهء خیلی کوتاه
روح مادر گردی
صاحب رفعت دیگر گردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
کهکشان کم دارم نوریان کم دارم
مه و خورشید به پهنای زمان کم دارم

خاک را پرسیدم
می توانی آیا
دل مادر گردی
آسمانی شوی و خرمن اختر گردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار بوستان کم دارم
در دلم گنج نهان کم دارم

این جهان را گفتم
هستی و مکان را گفتم
می توانی آیا
لفظ مادر گردی
همهٔ رفعت را
همهٔ عزت را
همهٔ شوکت را
بهر یک ثانیه بستر گردی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
آسمان کم دارم
اختران کم دارم
رفعت و شوکت و شان کم دارم
عزت و نام و نشان کم دارم

آنجهان را گفتم
می توانی آیا
لحظه یی دامن مادر باشی
مهد رحمت شوی و سخت معطر باشی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
باغ رنگین جنان کم دارم
آنچه در سینهٔ مادر بود آن کم دارم

روی کردم با بحر
گفتم او را آیا
می شود اینکه به یک لحظهٔ خیلی کوتاه
پای تا سر همه مادر گردی
عشق را موج شوی
مهر را مهر درخشان شده در اوج شوی
گفت نی نی هرگز
من برای این کار
بیکران بودن را
بیکران کم دارم
ناقص و محدودم
بهر این کار بزرگ، قطره یی بیش نیم
طاقت و تاب و توان کم دارم

صبحدم را گفتم
می توانی آیا
لب مادر گردی
عسل و قند بریزد از تو
لحظهٔ حرف زدن
جان شوی عشق شوی مهر شوی زر گردی
گفت نی نی هرگز
گل لبخند که روید ز لبان مادر
به بهار دگری نتوان یافت
در بهشت دگری نتوان جست
من از ان آب حیات
من از ان لذت جان
که بود خندهٔ او چشمهٔ آن
من از ان محرومم
خندهٔ من خالیست
زان سپیده که دمد از افق خندهٔ او
خندهٔ او روح است
خندهٔ او جان است
جان روزم من اگر, لذت جان کم دارم
روح نورم من اگر, روح و روان کم دارم

کردم از علم سوال
می توانی آیا
معنی مادر را
بهر من شرح دهی
گفت نی نی هرگز من برای این کار
منطق و فلسفه و عقل و زبان کم دارم
قدرت شرح و بیان کم دارم

در پی عشق شدم
تا درائینهٔ او چهرهٔ مادر بینم
دیدم او مادر بود
دیدم او در دل عطر
دیدم او در تن گل
دیدم او در دم جانپرور مشکین نسیم
دیدم او در پرش نبض سحر
دیدم او در تپش قلب چمن
دیدم او لحظهٔ روئیدن باغ
از دل سبزترین فصل بهار
لحظهٔ پر زدن پروانه
در چمنزار دل انگیزترین زیبایی
بلکه او درهمهٔ زیبایی
بلکه او درهمهٔ عالم خوبی, همهٔ رعنایی
همه جا پیدا بود
همه جا پیدا بود!

سفر خدا حافظی



AFP

وحید مژده

ادامه از صفحهٔ اول

در این کنفرانس بار دیگر از توقف کامل حملات هوایی بالای خانه های مردم، منع تلاشی منازل، عملیات شب هنگام وبازداشت های شبانه توسط قوای ناتو تاکید داشت.

در جواب این اظهارات کرزی، رابرت گیتس از تلفات افراد ملکی ابراز تاسف نموده گفت: تلفات افراد ملکی نگرانی همیشگی قوای ائتلاف می باشد و تلاش صورت می گیرد تا تلفات این افراد کاهش یابد.

به قول وزیر دفاع امریکا، بیشترین تلفات به افراد غیر نظامی ازجانب طالبان وارد می شود و آن هم به صورت عمدی و قصدی. یعنی ما کمتر می کشیم!

رابرت گیتس، دربین کنفرانس خبری پذیرفت که در گذشته ازسوی جامعهٔ بین المللی هم کاستی ها و اشتباهاتی صورت گرفته که ازآنجمله فقدان هماهنگی، کمبود منابع مالی و مهم تر ازهمه عدم توجه به حساسیت های جامعهٔ افغانی و نبود توجه و احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان است که این گونه کارها دیگر تکرار نخواهد شد.

عجیب است که گیتس یکی از عوامل مشکلات گذشته را کمبود منابع مالی عنوان کرد در حالی که در طول ده سال گذشته توجه جامعهٔ جهانی به افغانستان معطوف بود و پول های هنگفتی صرف مصارف نظامی گردید. با توجه به تغییر ذهنیت ها در امریکا به نظر نمی رسد که در آینده، توجه به چنان پیمانه ای به افغانستان ادامه یابد. پس مشکل کمبود منابع مالی در آینده بیشتر از گذشته محسوس خواهد بود. این همان چیزی است که بعضی از منابع در امریکا بعد از تحقیقات مفصل در مورد اوضاع اقتصادی افغانستان، نسبت به آن هوشدار داده اند. گزارش کمیتهٔ روابط خارجی مجلس سنای امریکا می گوید که بعد از سال ۲۰۱۴ افغانستان به مشکلات بزرگ اقتصادی مواجه خواهد شد زیرا بخش بزرگ از بودجهٔ این کشور امروز توسط کشورهای خارجی تامین می شود. این هوشدار می تواند به این معنی باشد که باید دولت افغانستان خود را برای چالش های بعد از سال ۲۰۱۴ آماده سازد که از آن سال به بعد کمکی به پیمانه ای که جوابگوی نیازها باشد، درکار نخواهد بود. اما آیا در دولت افغانستان گوش شنوائی برای گوش دادن به چنین هوشدار ها وجود دارد؟

رابرت گیتس در مورد پروسهٔ انتقال مسئولیت های امنیتی به نیروهای افغان گفت که این پروسه طبق برنامه آغاز خواهد شد و تا سال ۲۰۱۴ تکمیل خواهد گردید اما سرعت این پروسه به شرایط رابطه دارد. وی که برای آخرین بار از سربازانش در افغانستان دیدن می کرد گفت که پروسهٔ خروج نیروهای امریکایی از افغانستان مسوولانه انجام خواهد شد و هیچ کسی نمی خواهد که دست آوردهای چندین ساله که به قیمت گزاف به دست آمده است به هدر رود.

در عین حال روز چهارشنبه هشتم جون، حامدکرزی و باراک اوباما در یک کنفرانس ویدیویی، مدت حدود یک ساعت با هم مذاکره کردند. محور این مذاکرات نیز مذاکرات با مخالفین مسلح دولت، سپردن مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغان همزمان با خروج نیروهای امریکایی از افغانستان و همچنان قرارداد استراتژیک افغانستان با امریکا بود.

اوباما در این کنفرانس مطبوعاتی به خاطر کشته شدن غیرنظامیان در افغانستان ابراز تاسف نمود که قبلا رابرت گیتس نیز همین کار را کرده بود اما گیتس در دیدار با سربازان کشورش، از دلیری و شجاعت آنان تقدیر کرد بدون اینکه آنرا به احتیاط بیشتر در برابر غیرنظامیان فرا خوانده باشد.

در صحبت میان رئیس جمهوران امریکا و افغانستان، تعداد سربازان امریکایی که باید از افغانستان خارج گردد مشخص نشد که نشان می دهد هنوز هم امریکایی ها در مورد وضع شکننده در افغانستان نگرانی دارند. اما بعد از کشته شدن اسامه بن لادن در پاکستان که با معلومات موثق استخباراتی صورت گرفت این سوال مطرح است که آیا شیوهٔ مبارزه با تروریسم به شکلی که در ده سال گذشته صورت گرفت و مصارف هنگفت و همراه با آن فساد گستردهٔ مالی را موجب شد، درست بود؟

در حالی که طرفداران خروج نیروها از افغانستان در امریکا هرروز بیشتر می شود و اوباما هم برای انتخاب شدن مجدد به عنوان رئیس جمهور نیاز به رای مردم دارد، رابرت گیتس گفت که بودجه ای که آمریکا برای جنگ در افغانستان هزینه می کند (سالانه صد و بیست میلیارد دالر) نباید در تصمیم گیری درمورد خروج سریع نیروها از افغانستان تاثیر گذار باشد. گیتس افزود به عقیدهٔ وی موفقیت ماموریت در افغانستان باید بر هر چیزی ارجحیت داشته باشد. این سخنان را گیتس در شرایطی ابراز می کند که یکی از دلایل پائین آمدن میزان حمایت مردم از اوباما در امریکا، مسایل اقتصادی است.

آخرین سفر گیتس به افغانستان و مسافرت وی به مناطق مختلف افغانستان با امضای قرارداد استراتژیک میان افغانستان و امریکا بی رابطه نبود. قرار است لویه جرگهٔ عنعنوی در افغانستان که به زودی تشکیل خواهد شد، روی این مسئله تصمیم بگیرد.

موضوع مذاکره با مخالفین مسلح دولت به خصوص طالبان هم در صحبت با رابرت گیتس و هم در کنفرانس ویدیویی میان دو رئیس جمهور مطرح شد و امریکا یکبار دیگر از پروسهٔ ادغام مجدد ابراز حمایت نمود. این در حالیست که طالبان هنوز هم شایعات مذاکره با امریکا را به شدت رد می کنند.

صلح نیاز مردم ...

مکاتب را می بستند، اما آقای متوکل امروز مؤسسه ای را می سازد که در آن پسران و دختران درس می خوانند و شخصاً رهبری و مدیریت آن را به دست دارد. **تماس ها** و پیام هایی که از طالبان داشتیم، می گفتند که دیگر داستان امارت ختم است، تجربهٔ گذشته تکرار نمی شود.

صحبت هایی در میان برخی حلقات وجود دارد که گویا معامله صورت می گیرد اکنون کار شورای عالی صلح این است که زمینه برای تأمین امنیت صورت بگیرد، اما زمانی که قرار شد کدام فیصله صورت بگیرد، درآن صورت آن فیصله مربوط به نمایندگان مردم می شود تا جایگاه حقوقی خود را داشته باشد.

موضوع مالی توسط دونرها و کمیسیون پنج نفره که در رأس شان وزیر مالیه و وزارت های سکتوری است ذره ذره موضوعات را خود شان بررسی می کنند، و در این مورد آقای ستانکزی به شما نمایندگان ملت توضیحاتی خواهد داشت.

جریان مصالحه زمانبر است

با توجه به پیچیدگی های موضوع و تاریخ مذاکرات صلح در جهان، ما نیاز به زمان بیشتر و صبر و حوصله داریم.

ببینید، جریان مصالحه در بریتانیا با جمهوری خواهان ایرلند شمالی بیش از ده سال را در برگرفت، در فلیپین نیم قرن است که مذاکرات صلح ادامه دارد، اما هنوز نتیجه نمی دهد.

در برخی کشورها از جمله کولمبیا ۴۰ سال است که در کشمکش هستند. ما در افغانستان تنها ۵ ماه می شود که کار می کنیم.

تماس با گروه های مخالف مسلح

طی این مدت کوتاه تماس هایی با آقای حکمتیار و گروه های مولوی حقانی و شورای کویته گرفته شده است. آنان نیز محدودیت های زیادی دارند، خواهش شان این است که نام های شان افشا نشود، زیرا حیات شان در خطر است.

اخیراً با مجموعه ای از شورای کویته در ابوظبی دیداری داشتیم، یک مطلب را صریحاً گفتند وقتی به شما بپیوندیم آیا دو باره بندی نمی شویم، آیا دو باره به گوانتانامو روان نمی کنند؟

هستند کسانی که صلح نمی خواهند، اما اکثریت قریب به اتفاق شان طرفدار صلح هسند و می گویند ما عاشق صلح هستیم.

می گفتند، کسانی که می خواستند به پروسهٔ صلح بپیوندند مانند ملا برادر، ملا عبید الله و ملا عبدالرزاق همه دستگیر شدند.

یک چیز دیگر را برایتان باید بگویم که تنها طرف طالب ها نیستند، دسته های استخباراتی کشورهای مختلف، باندهای مافیایی و ده ها جریانی است که در کشورمان بدامنی را می خواهند، به این اساس فکر می کنیم که قدم های مستحکم تری در این زمینه برداشته شود.

پیشنهاد گروه مشترک مشورتی برای صلح

در اخیر به شما نمایندگان ملت پیشنهاد دارم، یک گروه مشترک مشورتی را از اعضای پارلمان تشکیل بدهیم و همه باهم در یک تفاهم ملی از روند صلح، تلاش نماییم.

حوادثی که رخ می دهد به عنوان پیراهن حضرت عثمان، یک تعداد علیه صلح و جریان صلح تبلیغ نه نمایند. زیرا صلح نیاز تمام مردم افغانستان است، به تنهایی نه دولت و نه شورای عالی صلح کاری کرده می تواند، همه مردم دست به دست هم بدهند به خاطر شفافیت تمام کارها، گروه مشترک مشورتی داشته باشیم و این مسئله را یک جا پیش ببریم. اما وقتی دیدیم که این پروسه دست آوردی نداشته باشد، یک جا به دولت بگوییم که موثر نیست بساط آن برچیده شود.

دو راه داریم

امروز ما دو راه داریم، جنگ یا صلح! من فکر می کنم که جنگ خواست هیچ کس نیست حتا کشور های ایتلاف بین المللی به نام مبارزه با تروریزم جنگ داشتند، روسای جمهور شان اعلام می کنند که دیگر مسئلهٔ افغانستان از طریق جنگ حل نمی شود.

وقتی جامعهٔ بین المللی جنگ را راه حل نمی بینند، ما دیگر جز از تلاش های صلح که خیر همه در آن نهفته است، کار دیگری کرده نمی توانیم؟ بیش از این وقت تان را نمی گیرم.

اقو قولی هذا استغفرالله لی ولکم ولسائر المسلمین

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

مادر را گرامی باید داشت

زن در قرآن کریم همان مقامی را دارد که مرد دارد. ماهیت زن همان ماهیت مرد است، هر دو در برابر وجایب دینی مسوولیت دارند. زن در تاریخ نسبت به مردان مورد ستم فراوان قرار گرفته است که در برخی از موارد بسیار تکان دهنده می باشد؛ حتی تا نیمه های قرن بیستم زنان قادر نبودند، در کشورهای پیشرفتهٔ جهان در تصمیم گیری های بزرگ، سهم بگیرند؛ به سخن دیگر زن در تاریخ نه انتخابات داشت و نه اراده.

زن در تداوم تاریخ بیشتر تحت فرمان و قیادت مرد قرار داشته است. مفهوم قیمومیت زن که قرآن کریم بدان اشاره می کند در حقیقت به هدف حفظ کرامت و عفت زن استوار می باشد، نه سلب آزادی های انسانی وی؛ زیرا اسلام بر مصئونیت زن در برابر نگاه های زننده و نامحرم تاکید دارد و قیمومیت مرد بر زن، در حقیقت حفظ شخصیت زن می باشد و بس. امروز نیمی از پیکر جامعه را زن می سازد، نیمی از پیکر جامعه در حقیقت نیمی از سازندگی جامعه است. هر قدر حضور زن در کار ساخت و ساز جامعه کمرنگ بوده باشد، به همان تناسب جامعه از رشد طبیعی یی خود باز خواهد ماند؛ زیرا دستان پر عطوفت و مهربان مادر است که یک خانواده خوشبخت را بوجود می آورد. اساس یک جامعهٔ خوشبخت بستگی به خانواده های خوشبخت دارد، در حقیقت این مادر است که اساس و بنیاد یک جامعه یی پیشرفته را می سازد؛ هر قدر در جامعه نقش زن بر جسته بوده باشد، به همان تناسب جامعه عاطفی، استوار، مطمین و با انظباط رشد خواهد کرد.

این زن است که ارزش های مهم انسانی و اجتماعی را پاسداری می نماید. نبود نقش اساسی زن در جامعه، یک محیط پر از خشونت و نا مطمین را به بار خواهد آورد که نتیجهٔ آن مسلط بودن فرهنگ مردانه در جامعه می باشد.

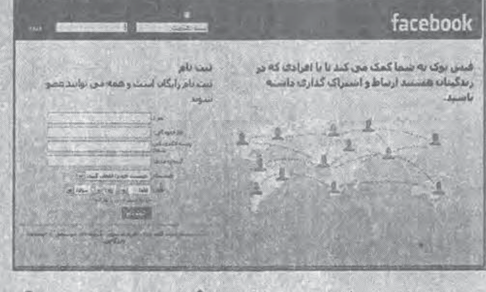
امروز در افغانستان زن مورد خشونت های زیادی از سوی مردان قرار می گیرد. حقوق آن ها پرداخته نمی شود، تعدادی از زنان از میراث قانونی و شرعی خود محروم اند، مهریهٔ آنها از سوی پدران و برادران ربوده می شود، در انتخاب همسر؛ طوری که دیده می شود. در برخی از مناطق افغانستان، حتی در شهرهای بزرگ این تصمیم گیری از جانب بزرگان خانواده صورت می گیرد. در برابر منازعات قومی دیده می شود که زنان قربانی این نزاع ها می گردند.

میزان خشونت، مثل خودسوزی و فرار از منزل همه روزه به گوش می رسد. استبداد تعدادی از مردان زنان را وامی دارد که از این زندانی که مردان برای آن ها ساخته اند، فرار نمایند. این ها موارد تلخی اند که سوگمندانه در جامعهٔ ما به کثرت دیده می شود. نگاه دلسوزانه نسبت به زنان بستگی به بستر فرهنگی جامعه دارد. این بستر باید به طور تدریجی تغییر یابد؛ زیرا فرهنگ یک شبه تغییر نمی نماید؛ بلکه باید بستر این تغییر به وجود آید. هر قدر قوانین پیشرفته در جامعه نسبت به زنان وجود داشته باشد؛ و بستر جامعه آرام و بدون تغییر باقی بماند، زن نمی تواند از این قانون استفاده نماید؛ در صورتی که قانون محو خشونت علیه زنان در افغانستان از سوی مراجع عدلی و قانونی وضع شده است و در آن جزاهای سنگین پیش بینی گردیده؛ اما با وجود آن تغییر مثبت در حیات زنان در مورد محو خشونت کمرنگ می باشد.

یک مشکل دیگر در مورد رفتار ظالمانه در برابر زنان، عدم آگاهی آنها از حقوق خویش اند. بیسوادی بیش از حد زنان مشکلات عدیده یی را برای آن ها به وجود آورده است. امروز زن افغانستانی مبارزهٔ دشواری را تجربه می نماید. آزادی ها و تحقق حقوق زنان محصول عقلانی شدن فرهنگ جامعه است. باید گفت که زن امانت خدا است. زن یاور مرد است، زن تکمیل کنندهٔ مرد می باشد، زن مرد را استقامت می بخشد و آنرا از کجروی ها باز می دارد. زن مایهٔ آرامش و آسایش است، زن مظهر مهر و محبت برای مرد است و به تعبیر قرآن کریم، زن لباس مرد است.

مردی که برای زن کمترین ارزش را قایل است، در حقیقت به کرامت انسانی خود کمتر بها می دهد. زن ستیزی در حقیقت جنگ با عاطفه و مهرورزی است. در جامعهٔ که در آن خشونت ریشه دار می باشد، زن در خانه زنده به گور می شود. احترام به مادر از وجایب اسلامی ما محسوب می شود. از دستور اکید پیامبر اسلام است که با زنان خود روش نیکو داشته باشید و می فرماید که بهترین شما کسانی اند که با همسران شان روش نیکو دارند.

پیامبر اسلام می فرماید که از دنیای شما زن و نماز را بیشتر دوست دارم؛ بی مورد نیست که گفته اند: رضای خداوند در رضای مادر است. باید زن و مادر را گرامی داشت؛ زیرا کمرنگ بودن حقوق مادران در جامعه باز گشت به خشونت است که در آن عاطفه، عشق و دوستی به دار آویخته می شود و یک اجتماع خشن و بی رویه بر فضای حیات و زندگی حاکم خواهد گردید که نتیجهٔ آن شکست برنامه های بزرگ ملی خواهد بود.



سخنی با دوستان فیس بوکی!

ثامر

« فیس بوک » چهره نما و یا کتاب وجهه، پایگاه اجتماعی در انترنت است که به صورت آنلاین پخش می شود. این پایگاه توسط زوکربرگ دانشجوی دانشگاه هاروارد امریکا متولد سال ۱۹۸۴ میلادی، در سال ۲۰۰۴ اساس گذاشته شد.

بنا به گزارش ها، روزانه بیش از ۷۰۰ میلیون نفر عضو شبکهٔ فیس‌بوک در جهان هستند و اعضای این شبکه بیش از ۱۰ میلیارد عکس و تصویر ویدیویی در این شبکه قرار داده اند که بر حجم این اطلاعات افزوده می‌شود.

فیس بوک، محل نشر خواسته های فعالان سیاسی –اجتماعی، گاهی تفریحی و آموزشی و تعلیمی و مرکز ارتباط تکنالوژی عصر است که جمعی به حیث دوست زیر یک سقف قرار می گیرند و از این طریق می توانند روی قضایای اجتماعی در عرصه های گونه گون تبادل افکار کنند، از حالت یکدیگر آگاهی داشته باشند، کسانی که دسترسی به این تکنالوژی دارند، به یقین که این نزدیکترین راه ارتباط و تبادل افکار با دوستان به شمار می رود.

از تکنالوژی های جدید، ولو به هر نیتی که راه افتاده باشد، برماست که از آن استفادهٔ اعظمی و مثبت نماییم. گرچه من در شرایط کنونی با وضعیت شکنندهٔ که قرار داریم، مظاهره و راهپیمایی را به صلاح کشور نمی دانم، شنیدیم که جوانان در کشورهای خاورمیانه با استفاده از فیس بوک توانستند یکدیگر را به زمان و مکان معین به قیام علیه دکیتاتوران کشورهای شان دعوت نمایند که منجر به فرار و شکست استکبار گردید. این چنین اقدام ها را باید ستود و تحسین کرد.

به یاد داشته باشیم، که ما و شما در یک اجتماع کوچک از طریق این پایگاه (فیس بوک) با هم وصل هستیم و آنچه پیام می گذاریم، در دسترس همهٔ مان و دوستان مان که با پایگاه دیگر وصل اند، می رسد و هر گونه تصاویری که در این پایگاه گذاشته می شود، در برابر دید همگان قرار دارد. پس چه خوب است که اخلاق را رعایت کنیم، زیرا سلیقه های فردی در اجتماع جای ندارد. به یقین که روی شخصیت انسان اثر منفی بجا می گذارد. همچنان در ارائهٔ اطلاعات بسیار دقیق بود که باعث آبرو ریزی و هتک حرمت اشخاص نشود.

جابجایی عکس های برهنه و نیمه برهنه و مستهجن دختران و گفته هایی که با اخلاق و جامعهٔ ما همخوانی نداشته باشد، در اجتماعی ولو کوچک مطرح کردن و به نمایش گذاشتن مخالف دین و رسم و رواج و عنعنهٔ ما و شماست که امید است از آن خودداری شود و این تریبونی که در اختیار داریم شایان آنست که از آن خوب و درست، در راهی که افراد جامعهٔ ما را به سوی فلاح و رستگاری رهنمون سازد، به کار بریم. علاوه بر این که جویای احوال یکدیگر می شویم، از این طریق چیزهایی را بیاموزیم.

هستند کسانی که از عزت نفس کمتری برخوردار اند، تلاش می کنند آنچه را که در عالم واقعی دستگیر شان نمی شود، در فضای مجازی جستجو نمایند و دل خوش کنند. که پیگیری چنین اشباع های کاذب نه این که ضرر را متوجه فرد می سازد، اضرار اجتماعی را نیز به دنبال دارد.

بزرگان گفته اند، شناسایی یک فرد را می توان با شناخت دوست ها و همنشین های او تشخیص کرد. بناءً ما و شما که در زیر یک چتر به نام «فیس بوک» جمع می شویم، بدانیم که در این اجتماع کوچک نزاکت ها و اخلاق را رعایت نماییم.

به امید سلامتی همه دوستان عزیز، گفته های خود را با تقدیم فرمودهٔ حضرت سعدی (رح) خاتمه می بخشم که گفته است:

«من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم
تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال»

نگاهی به سفر رئیس جمهور به پاکستان



رئیس جمهور حامد کرزی بنا به دعوت آصف علی زرداری رئیس جمهور آن کشور عصر روز جمعه تاریخ ۲۰ جوزا وارد اسلام گردید.

آقای کرزی در مدت اقامت دو روزه اش در آن کشور، با مقامات مهم سیاسی و نظامی دیدار نمود.

طی این دیدار طرفین روی مسایل مورد علاقه، چالش های امنیتی که برای هر دو کشور خطر جدی محسوب می شود، بحث و گفتگو نمودند.

پس از کشته شدن اسامه بن لادن در نزدیکی اسلام آباد پایتخت پاکستان، حامد کرزی یک بار دیگر انگشت انتقاد را به سوی پاکستان نشانه گرفت و تصریح کرد که ادعاهای برحق ما با کشته شدن رهبر شبکه القاعده در پاکستان درست ثابت گردید. در پی این حادثه پاکستان زیر فشار شدید جامعهٔ جهانی نیز قرار گرفت و روابط پر نوسان آن با افغانستان یک بار دیگر کم رنگ شد.

پس از مرگ اسامه که تقریبا بیش از یک ماه می گذرد، نخستین سفر یک مقام بلند رتبهٔ افغانستان به آن کشور است.

کارشناسان می گویند: سفر حامد کرزی به پاکستان تا اندازه ای باب از سرگیری گفتگوها و همکاری پاکستان را نسبت به تلاش های صلح تقویت خواهد می کند. سال ها می شود که مقامات هر دو طرف یکدیگر را متهم به حمایت از افراط گرایی و ارسال باندهای تروریستی به قلمرو یکدیگر می دانند.

مولوی نذیر یکتن از رهبران متنفذ شورشیان پاکستانی در وزیرستان جنوبی به خبرگزاری رویترز گفته است که طالبان پاکستانی با فرستادن افراد مسلح و جنگیدن علیه نیروهای امریکایی در افغانستان شدت خواهند بخشید.

در یک تحول دیگر، وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو هفتهٔ گذشته در مورد جنگ جاری در افغانستان در بروکسیل پایتخت بلژیک جلسه برگزار نمودند.

دیدار وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو در بارهٔ جنگ افغانستان در حالی برگزار می شود که قرار است ایالات متحدهٔ امریکا خروج عساکرش را از افغانستان از ماه جولای که برابر با دهم سرطان سال جاری می شود آغاز نماید.

د سیمې او پاکستان په هکله...



ډراوون (بې پیلوټه) الوتکو لخوا د ورول شوو توغندیو په نتیجه کې د شلو تنو په شاوخوا کې د شکمنو اورپکو وژل کیدل، او د پاکستان په گجرات سیمه کې هم د یوې حملې په نتیجه کې د اوه تنو د وژل کیدو او یو تن د ټپي کیدو خبر، او هم د تیرې چهارشنبې په ورځ د ډراوون الوتکو په تازه بریدو کې د شپاړسو تنو نورو وژل کیدل چې خامخا به ورسره ملکي تلفات او د ټپیانو په بڼه نور ځاني تلفات هم اوسي؛ هغه څه دي چې د گاونډي هیواد پاکستان امنیت یې له مینځه وړلی او ددغه هیواد پر خلکو یې یوه ویره کښېنولې ده چې لامله یې هیڅ پاکستاني وگړی د ډاډمن امنیت احساس نکوي.

او ښایي چې تېره اونۍ د هیرې کلنټن او پاکستاني مقاماتو تر مینځه په لیدنه کې د ترهگرو پر خلاف پرې توافق شوي اقداماتو لړ کې نورې درنې حملې هم ترسره شي او د پاکستان د دولت ملي حاکمیت د هیڅ سره برابر شي؛ چې ددغو موافقاتو او عملیاتو وروسته د پاکستاني طالبانو یو تن مشر مولوي نذیر په جنوبي وزیرستان کې د بې پیلوټه الوتکو د توغندي بریدونو د ودرولو غوښتنه وکړه او ویې ویل چې: که دغه بریدونه همداسې ادامه ومومي نو مونږ به خپل مرکزونه افغانستان ته نقل کړو. له بلې خوا د امریکا حکومت د مشرانو جرگې د بهرنیو اړیکو کمیټې اجتماعیه غونډې ته ددغه هیواد د بهرنیو اړیکو مسؤل «جان کیري» په خپله یوه بیانیه کې پدې ټینگار وکړ چې امریکا باید (چې تر دا مهاله یې ۸،۲ میلیون ډالره په پاکستان کې د اورپکو پر خلاف جگړه کې لگولي) خپل مصارف نور هم زیات کړي؛ ځکه د نوموړي په وینا: چې چیرې د اورپکو هډې او پټنځایونه نشته نو هلته امریکا ۱۲۰ میلیونه ډالر لگوي (چې اشاره یې افغانستان ته وه) او چیرې چې دده په وینا د حقاني شبکې، کویټې شورا، جیش محمد او لشکر طیبه) جنگیالي شتون لري او د پټیدلو ځایونه لري (چې پاکستان ته اشاره وه) نو هلته ۸.۲ میلیون ډالره لگښت کوي.

دغه گرد واړه جریانات او پېښې هغه څه دي چې باید د سیمې دغه دواړه گاونډي او اسلامي ورونه هیوادونه پرې په غور سره فکر وکړي او پدې هکله خپل تاریخي مسؤلیتونه اداء کړي؛ ځکه په سیمه کې روانه جگړه د دواړو هیوادونو د تباه کیدو لامل کیداې شي او څومره چې ورځخه نور گټې پورته کوي، په هغه کچه یې یو لوري ته هم گټه نشته.

دا کیداې شي چې د سیمې دواړو خواوو کې یو شمیر د بل په شر کې خیر لټوونکي انسانان د خپلو زړو عقدو او غوښتو اوس پرانیزي او له دې نا آرامیو او تلفاتو څخه خوند اخلي خو افغانستان او پاکستان د سیمې دوه گاونډي او ورونه اسلامي هیوادونه دي، باید له تجربو څخه عبرت واخلي او د کرزي په هغه سفر کې چې د پاکستان د ولسمشر لخوا ورته د ترسره کیدو بلنه ورکړل شوې ده، د اخلاص پر بنیاد ددې هڅه وشي چې له سیمې څخه د جگړې تغر ټول شي او د جگړو په دوام کې د دواړو لوریو ولسونو د تباهۍ لاملونه ختم کړاې شي، ورنه تاریخ د هیڅوا خیال نکوي او د سبا ورځې په بې رحمانه تاریخي قضاوت کې به بیا د دوې مخونه راتلونکو ولسونو ته تور وي.

پاکستان چې تل خپل پیاوړتوب او قوت پدې کې وینې چې افغانستان دې یو ضعیفه هیواد وي خو دوی ته اړ وي او یا ورځخه د هندوستان سره د اړیکو د نه ټینگوالي غوښتنه کوي او په خپلو مینځو کې پر یو بل باور نلري. ولې نشي کولاې چې یو بل وزغمي او لکه د فرانسې او آلمان په څیر په سیمه کې دوه خواکمن هیوادونه مطرح اوسي په خپله سیمه کې دننه د ترېگنۍ او رقابت پر ځای په نوره نړۍ کې سیالي او رقابت وکړي.

جرگه در راه ...

• لویه جرگهٔ ۱۹۲۲ پغمان جهت تصویب نظامنامه، لویه جرگهٔ ۱۹۲۴ پغمان غرض به میان آوردن تعدیلات در نظامنامه و لویه جرگهٔ ۱۹۲۸ پغمان غرض تصویب قانون اساسی و پروگرام های اصلاحی و تثبیت شاخصه ها و سیاست افغان و انگلیس معطوف بود.

• لویه جرگهٔ سال ۱۹۳۱ در عهد محمد نادرشاه، برای تصویب قانون اساسی.

• لویه جرگهٔ سال ۱۹۴۱ بعد از کشته شدن نادر شاه هنگام زعامت محمد ظاهر شاه، برای غور بر تقاضای متحدین جنگ عمومی دوّم مبنی بر اخراج اتباع غیر سیاسی کشورهای محور از افغانستان دایر و با درایت سیاسی انجام و روابط سیاسی آینده با بسا کشورها راه اندازی شده بود.

• در سال ۱۹۴۹ جرگه ای جهت ابراز حمایت از سیاست حکومت در مورد اختلافات مرزی افغانستان با پاکستان دایر گردید. که این جرگه، معاهده ۱۸۸۳ دیورند، پیمان های ۱۹۰۵ افغان - انگلیس، ۱۹۱۹ راولپندی، ۱۹۲۱ افغان- انگلیس و هر پیمان دیگری را که به مناطق متنازع فیه میان افغانستان و پاکستان ارتباط داشت را منسوخ قرار داد.

• در سال ۱۹۵۵، بار دیگر لویه جرگه برای جلب حمایت ملت از تعهدات دولت در قسمت اختلافات افغانستان و پاکستان دایر و سردار محمد داؤود روابط حسن همجواری و همزیستی مسالمت آمیز با اتحاد شوروی وقت کسب کرد.

• لویه جرگه ۱۹۶۴ که قانون اساسی مصوب آن، پایه تحولات دهه ۶۰ میلادی را که به " دهه دموکراسی " معروف است، تشکیل داد. و این آخرین جرگه در عصر محمد ظاهر شاه بود، قانون اساسی ۱۹۳۱ نادر شاه پدرش را منسوخ قرار داد.

• جرگهٔ سال ۱۹۷۷ محمد داوود خان به منظور تصویب قانون اساسی جدید و انتخاب رئیس جمهور تشکیل می داد.

• جرگه ۱۹۸۵ هنگام زعامت ببرک کارمل که موضوعات شامل آن را مسألهٔ صلح و سیاست های خارجی و داخلی دولت وقت تشکیل می داد.

• جرگه ۱۹۸۷ تحت زعامت دکتر نجیب الله بود و پیامد این جرگه قانون اساسی جدید بود که بر اساس این قانون اساسی دکتر نجیب الله برای مدت هفت سال بحیث رئیس جمهور انتخاب گردید و افغانستان منبعد (جمهوری افغانستان) نامیده شد.

• لویه جرگهٔ ۱۹۸۹ در دوران حاکمیت حزب وطن به رهبری دکتر نجیب الله به منظور آشتی ملی، مصالحه با مجاهدین و حل سیاسی مسأله افغانستان تشکیل می داد.

• شورای اهل حل و عقد سال ۱۹۹۳، بعد از سرنگونی آخرین مهرهٔ حزب دموکراتیک (داکتر نجیب الله) و پیروزی مجاهدین و حاکمیت دولت اسلامی در کشور، برای یافتن یک راه حل سیاسی و تعیین زعامت کشور، شورایی به نام اهل "حل و عقد " از سوی استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی برگزار شد.

• جرگهٔ ۱۹۹۵ در زمان امارت اسلامی طالبان، به رهبری ملا عمر رهبر طالبان در کندهار جهت مشروعیت بخشیدن دایر گردیده بود که همه علماء بودند.

• لویه جرگه اضطراری در ماه جون سال ۲۰۰۲ با تشکیل حکومت انتقالی انعقاد یافت. این لویه جرگه طوری که پیش بینی شده بود با بیانیه محمد ظاهر پادشاه سابق در خیمهٔ بزرگ در صحن پولیتخنیک کابل افتتاح گردید. این جرگه حامد کرزی را در رأس اداره انتقالی برای مدت ۱۸ ماه انتخاب کرد.

• لویه جرگهٔ قانون تصویب قانون اساسی در جدی سال ۱۳۸۲ خورشیدی در زمان حکومت موقت حامد کرزی دایر شد که دارای ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده بوده و تا حال مرعی الاجراء می باشد.

مجلس نمایندگان:

کارهای خانگی مان را انجام نداده ایم، به رخصتی نمی رویم

مجلس نمایندگان فیصله نموده است که رخصتی هایی تابستانی خود را تا پانزده روز دیگر به عقب ببرند.

فیصله ای که جلسهٔ علنی هفتهٔ گذشته مجلس نمایندگان جنجال های داخلی و اعتراض برخی نمایندگان را در بر داشت.

نمایندگان معترض می گفتند، تمدید دورهٔ کار برای پانزده روز دیگر در مخالفت با قانون اساسی و طرز العمل اصول وظایف داخلی مجلس نمایندگان قرار دارد. در همین حال نمایندگانی که با اکثریت آراء این فیصله را صادر نموده اند می گویند: کارهای مهمی که باید طی این مدت صورت می گرفت به دلایل مشکلات داخلی ولسی جرگه و سهل انگاری های حکومت انجام نشده است.

آنان قصد دارند، پس از انجام وظایف مهم، به رخصتی های تابستانی با خیال راحت بروند، تا دستآوردهای خوب و حرفی برای گفتن به مردم داشته باشند. معلوم نیست که نمایندگان ملت سوای دادن رأی اعتماد به هفت وزیر سرپرست، دیگر به کدام کارهای مهمی که منافع عمومی مردم در آن نهفته باشد دست خواهند زد.

نمایندگان می گویند: تا زمانی که دولت وزرای سرپرست را غرض اخذ رأی به مجلس نفرستند به رخصتی های تابستانی خود نخواهند رفت.

وزارت خانه های صحت، زنان، انرژی و آب، مخابرات، تحصیلات عالی، ترانسپورت و شهرسازی بیش از یک سال است توسط سرپرست ها اداره می شود. این در حالی است که قانون اساسی کشور، حضور سرپرست ها را بیش از یک ماه تجویز نمی کند.

در همین حال تا کنون معلوم نیست که اگر رئیس جمهور تا پانزده روز دیگر نتواند وزرای سرپرست را به مجلس معرفی کند، آیا بار دیگر این مدت تمدید خواهد شد یا خیر؟

مقامات ریاست جمهوری گفته اند که لست وزراء تا هنوز تکمیل نشده و نمایندگان می توانند به رخصتی های تابستانی خود بروند.

این در حالی است که عبدالرؤف ابراهیمی رئیس مجلس نمایندگان در جلسهٔ علنی تصریح کرده است که رئیس جمهور از طریق تلفن به او قول داده است، لست وزرای سرپرست را تا چند روز دیگر به مجلس معرفی نماید.

مجلس نمایندگان در حالی دست به این فیصله زد که مجلس سنا، اتاق دوم پارلمان افغانستان، هفتهٔ گذشته به رخصتی های تابستانی خود رفتند.

طبق مفاد مندرج در قانون اساسی دادن رأی اعتماد به اعضای کابینهٔ حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، از صلاحیت های مجلس نمایندگان است.

از سوی دیگر برخی از آگاهان می گویند، تعدادی از اعضای مجلس، متهم به تقلب در انتخابات پارلمانی سال گذشته می باشند و بیم آن را دارند، در صورتی که آنان به رخصتی یک و نیم ماهه بروند، شانس برگشت دوباره را به خانهٔ ملت کمتر دارند.

به باور برخی ها حکومت قصد دارد، در خلال رخصتی های تابستانی نتایج حاصله از بررسی های صورت گرفته را در همین مدت اعلام نماید.

کما این که دادگاه ویژهٔ رسیدگی به شکایت های پرونده های انتخاباتی دست از سر قضیه نبرداشته و به عنوان یک هرم فشار، برخی ها را مانند اسب بیمار دور خود تا هنوز می چرخاند.

رفتن به رخصتی های تابستانی اگر از لحاظ صوری یک تفریح باشد، اما از دید کارشناسان، حضور در میان مردم و ماندن در کنار مؤکلان، جزئی از وظایف وکلای ملت به شمار می رود.

زیرا همانگونه که در نظام های دموکراتیک حکومت ملزم به پاسخگویی در برابر نمایندگان ملت است، نمایندگان نیز پاسخگو به آنانی اند که روزگاری رأی شان را به صورت صدها وعده و وعید گرفته اند. از سوی دیگر برخی آگاهان به این باور اند که اوضاع بد امنیتی و تهدید های بالفعل که در ولایات وجود دارد، سبب شده است، نمایندگان از رفتن به آن جا ها اباء ورزند.

بنا برآن نمایندگان ترجیح می دهند در زیر سقف شورای ملی که از امنیت بهتر بر خور دار است، به چانه زنی ها در موارد ذیعلاقه و دلخوشی هایی مصروف شوندکه امکان دست یابی به آنها در روز های رخصتی در مناطق پر درد سر میسر نیست.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ دهم ۲۱ جوزای ۱۳۹۰ ۹ رجب المرجب ۱۴۳۲ - 11 Jun 2011

د سيمې او پاکستان په هکله:

اقتصادي ګټه خو د ورورګلوۍ په زيان!!

شفيق

په سيمه کې د ترهګرۍ(؟) پر خلاف رواني جګړې ښايي اوس د جګړې هغه مفهوم پيدا کړی وي چې جګړه تباهي او بربادۍ مينځته راوړي؛ جګړه انسانان تباه کوي او ناامني زيږوي.

د پخواني شوروي اتحاد له طوفان څخه د خلاصون لومړی سوبمن زمونږ ګاونډي هيواد پاکستان وو؛ ځکه که د اسلامي او غير اسلامي پنځلسو رياستونو خوړونکو هيواد، زمونږ قطبي ګاونډي (د تزاري روسيې وارث) شوروي اتحاد د ګرمو اوبو په لوري چټک حرکت افغانانو ودرولی نه وای نو د کراچۍ په سمندر کې په هغو بحري بيړيو باندې ماتم به د نن پر ځای پاکستان ديرش کلونه لا وړاندې کړی وو، چې څو ورځې وړاندې دغه بيړۍ په بحري هډه کې د پنځلس تنو اوړيکو د بريد لاندې راغلې وې.

که د ترهګرۍ (!) پر خلاف رواني جګړې افغانان تباه کړل نو ښايي چې د (تاکو) احساس اوس پاکستان هم کړی اوسي؛ ځکه پدغه هيواد کې هم رواني جګړې له انسانانو څخه د ډاډ من ژوند نعمت تروړلی او هره ورځ هلته هم په لسګونو انسانان د هغې جګړې خوراك ګرځي چې د جګړې او د هغې د لامل په هکله يې اوس دا معما مصداق ګرځيدلې چې (چرګه مخکې پيدا شوې که هګۍ يې؟).

يوازې په تيره اونۍ کې چې د رواني جګړې زيږندو عملياتو کوم تلفات د پاکستان هيواد ته اړولي، که پاکستاني چارواکي له هوش څخه کار واخلي او پر خپل ولس يې زړه وسوځي نو ښايي چې نور ووايي (مرده باد جګړه !)؛ ځکه په تيره اونۍ کې د کنړ ولايت په ګاونډ کې د دير او باجوړ په سيمو کې چې دغو سيمو ته داخل شوو دوه سوو اوړيکو کوم تلفات دغه هيواد ته اړولي دي، کم نه دي؛ چې په هکله يې د پاکستان حکومت دا ادعاء هم کړيده چې دغه اوړيکي له افغانستان څخه راغلي او په ډيرو ماډرن جنګي وسايلو سمبال يې ښودلي دي. پداسې حال کې چې د افغانستان دولت يې ردوي.

همدارنګه د خيبر پښتونخواه په آيالت کې د نوښار په سيمه کې د يکشنبې په شپه اته نيمې بجې د يوې چاودني لامله د پنځوسو تنو په شاوخوا کې انسانانو مرګ ژوبله رامينځته کيدل، او بيا څو ورځې وړاندې په جنوبي وزيرستان کې د

۷مخ

قابل توجه جدی وزارت صحت عامه

یک رسانهٔ امریکایی عکس های محرم از جریان زایمان زنان افغانستانی در بخش ولادی نسائی شفاخانهٔ فیض آباد در ولایت بدخشان را به نشر سپرده است.

یک رسانهٔ تصویری امریکایی به نام Day life عکس های بزرگی از زنانی را در شفاخانهٔ ولایت بدخشان به نشر سپرد که در حال به دنیا آوردن طفل بودند. در مورد نام و سن و سال هر زن که تصویرش به نشر رسیده نیز در این سایت معلومات ارائه گردیده است. این تصویر های برهنه و نامناسب از زنان در حال زایمان نشان می دهد که این کاربا رضائیت کارمندان و دکتوران این شفاخانه صورت گرفته است، چنانچه در تصویرها، کارمندان طبی شفاخانه نیز دیده می شوند.

هرچند رسانه ها حق دارند تا مطابق به مسوولیت خویش، از هر جائی گزارش تهیه نمایند و غرض اطلاع رسانی به نشر برسانند اما این رسانه ها باید بدانند که افغانستان اروپا نیست. نشر این تصاویر مغایر به تعالیم دینی و فرهنگ مردم افغانستان است. ما این عمل را به شدت تقبیح می کنیم و از وزارت صحت عامه جدا تقاضا داریم تا کسانی را که در این شفاخانه اجازهٔ چنین کاری را داده اند، مجازات نمایند.

وزارت صحت عامه وظیفه دارد تا به مسوولین شفاخانه های زنانه جدا توصیه نماید تا به خبرنگاران اجازهٔ گرفتن عکس از زنان را که در بستر و در وضع نامناسب قرار دارند، ندهند.

در شرایطی که زنان افغان به خصوص در مناطق دور افتاده به شدت نیازمند امداد طبی اند، چنین اعمال ضد اسلامی و ضد کرامت بشری توسط مسوولین این گونه شفاخانه ها موجب خواهد شد تا زنان نسبت به شفاخانه ها احساس بی اعتمادی نموده و به مراکز صحی مراجعه نکنند. این کار به جای اینکه به امداد رسانی طبی در کشور مددگار ثابت گردد، موجب بی اعتمادی مردم به سکتور صحت در کشور خواهد شد و در میان مردم به ایجاد این مفکوره خواهد انجامید که حتی اگر زنان آنان در معرض خطر مرگ هم قرار گیرند، از بردن آنان به شفاخانه خودداری ورزند.

ادارهٔ هفته نامه مجاهد به عنوان یک رسانهٔ رسالتمند از نمایندگان مردم در شورای ملی می خواهد، برای حفظ آبرو و حیثیت خواهران بدخشانی، موضوع را از مجراهای ممکنه پیگیری نموده، عاملان آن را به پنجهٔ قانون بسپارند. اگر این کار در تبانی و اجازهٔ مسوولان شفاخانه صورت گرفته و یا این که توسط کامره های مخفی خارجی ها صورت گرفته و بعداً پخش شده باشد، درهر دو حالت، مرتکبین آن مورد پیگرد قرار گرفته و مجازات شوند، تا در آینده حریم شخصی افراد از تعرض مصؤن بماند.

جرگه در راه است

مصباح شعیب

قرار است جرگهٔ در آیندهٔ نزدیک روی پیمان استراتژیک افغانستان و امریکا، در کابل دایر گردد. گفته می شود روی مسألهٔ پایگاه دایمی امریکا در افغانستان، اجندای کنفرانس بن دوم، مصالحه با طالبان و انتقال مسوولیت امنیتی، نیز بحث و موافقتی صورت گیرد. که آقای کرزی طی فرمانی، حضرت صبغت الله مجددی عضو مجلس سنا را به حیث رئیس کمیسیون برگزاری آن توظیف نموده است.

در کشورما سال هاست زمانی که مشکلی پیش شود و یا روی مسألهٔ کلان ملی تصمیمی اتخاذ شود و یا شخص جدیدی در رأس حاکمیت قرار گیرد، متوصل به مشورهٔ جرگه می شود که روی ساختار سیاسی، اجتماعی و قانون گذاری کشور، جمعی از متنفذین را جمع و فیصله می نمایند.

در مادهٔ ۱۱۰ قانون اساسی کشور لویه جرگه را مظهر ارادهٔ ملی می داند، که متشکل از اعضای شورای ملی، رؤسای شوراهای ولایات و ولسوالی ها دانسته است. وزرا، رئیس و اعضای ستره محکمه و لوی سارنوال می توانند در جلسات لویه جرگه بدون حق رأی اشتراک ورزند. اما تا حال روی هر ملحوظی که بوده و است، در سطح ولسوالی ها انتخابات صورت نگرفته است که این حق از باشندگان ولسوالی ها گرفته شده و صریحاً نقض قانون اساسی می باشد. دیده شود در حالی که کشور از امنیت سراسری برخوردار نیست، آیا تدویر این جرگه پر چالش و تنش زا نخواهد بود؟ آیا تصویب فیصله های این جرگه خواست شهروندان و همسایگان را برآورده خواهد ساخت؟ آنچه مهم پنداشته می شود رئیس و گردانندهٔ این جرگه است که تا هنوز در گزینش آن پیش داوری نشده است.

همزمان با آمادگی حکومت برای برگزاری لویه جرگه، مجلس نمایندگان در جلسهٔ روز چهارشنبهٔ هفته گذشته، فیصله های لویه جرگه را بدون تصویب پارلمان مردود دانسته، گفته اند که لویه جرگه مشروعیت قانونی ندارد. اکثر نمایندگان مجلس نمایندگان تاکید بر این داشتند که تایید و یا رد قرارداد ستراتیژیک با امریکا از صلاحیت پارلمان کشور است. اما برخی نمایندگان مجلس تاکید کردند که قانون اساسی به رییس جمهور صلاحیت داده تا در موارد مهم از مردم نظر خواهی کند. گرچه تا حال تاریخ دقیق برگزاری این جرگه تعیین نشده، رئیس حکومت تصمیم نهایی در رابطه به روابط ستراتیژیک افغانستان با امریکا را، نمایندگان مردم در این جرگه می داند.

اینک به بهانهٔ این جرگه های عنعنوی، نگاهی گذرا به جرگه های می اندازیم که در افغانستان برگزار شده است.

- نخستین جرگه در تاریخ معاصر کشورما در سال ۱۷۰۹ به رهبری میرویس خان هوتکی هنگام تشکیل قوه واحد ملی به خاطر انهدام کامل اردوی صفوی و گرجی انعقاد یافت که منتج به ایجاد حکومت آزاد ملی گردید.
- این لویه جرگهٔ در سال ۱۷۴۷ احمد شاه درانی را بحیث پادشاه انتخاب کرد.
- در عهد تیمور شاه در سال ۱۷۹۳جرگه به خاطر انتقال پایتخت از کندهار به کابل دایر گردید.
- در عهد شاه شجاع در سال ۱۸۴۱ به وسیله آزادی خواهان بخاطر کسب استقلال سیاسی دایر شد.
- در عهد امیر شیرعلی خان در سال ۱۸۶۵ به خاطر حل منازعات خانوادهٔ امیر و تعیین ولیعهدی شهزاده کوچک عبدالله جان دایر شد.
- در عهد امیر حبیب الله خان در سال ۱۹۱۵ جهت اعلام بی طرفی غیر فعال افغانستان در جنگ عمومی اول دایر شد.
- در عصر امان الله خان چهار جرگه، شامل لویه جرگه ۱۹۲۱ جلال آباد به منظور اصلاحات اجتماعی،

ص۷